

معروف کرخی و تأملی در پیوند او با امام رضا(ع)

محمدجواد شمس *

چکیده

معروف کرخی از بزرگان عرفان اسلامی در سدهٔ دوم هجری و سرسلسلهٔ بسیاری از سلسله‌ها و طریقت‌های عرفانی است؛ که به همین مناسبت او را «شیخ السلسله» و «امام الصوفیه» و سلسلهٔ منتهی به ایشان را «معروفیه» و «ام السلاسل» خوانده‌اند. مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین دوران حیاتش، پیوند تاریخی و معنوی او با امام رضا(ع) است؛ که در دو دوره از حیاتش - دورهٔ کودکی - نوجوانی و دوران پیری - اتفاق می‌افتد. در این باره و با این عنوان، پژوهشی انجام نگرفته، اما در برخی از تحقیقات معاصران دربارهٔ تصوف و نیز در شرح احوال معروف، از جمله جستجو در تصوف/ایران از زرین کوب، و *الصلة بین التصوف والتشیع* از کامل مصطفی شبیی، و در مقالهٔ معروف کرخی، به قلم حسن ذوالفقاری، در نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، اشاراتی دربارهٔ پیوند معروف با امام رضا(ع) شده است؛ که البته در بیشتر آن‌ها، این پیوند و ارتباط، مورد تردید و یا حتی رد و انکار قرار گرفته است؛ لذا به دلیل اهمیت این موضوع در تاریخ تصوف، و پیوند تصوف و تشیع، در این مقاله کوشیده‌ایم با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی تحلیلی، این پیوند تاریخی را در هر دو دورهٔ حیات معروف کرخی اثبات کنیم. معروف کرخی، در دوران کودکی و نوجوانی خدمت حضرت امام رضا(ع) می‌رسد و به دست آن حضرت مسلمان می‌شود و نزد ایشان به سلوک معنوی می‌پردازد؛ و بعدها در سنین پیری نیز در مدت کوتاهی که امام رضا(ع) به بغداد سفر می‌کند، معروف توفیق خدمتگزاری ایشان را می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: امام رضا(ع)، معروف کرخی، کرخ، ابن جوزی، سلمی، قشیری، عطار.

* دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین / mj.shams@isr.ikiu.ac.ir

۱. مقدمه

معروف بن فیروز کرخی، مکنّی به ابو محفوظ^۱ و مشهور به معروف کرخی (خطیب بغدادی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۳: ۲۰۱؛ ابن ابی یعلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۷۷)، از بزرگان عرفان اسلامی و سرسلسله طریقت‌ها و سلسله‌های عرفانی پیونددهنده آغازین تصوف و تشیع بود؛ و چنان‌که برخی گفته‌اند، اکثر سلسله‌های عرفانی منسوب به ایشان است. به همین مناسبت، ایشان را «شیخ السلسله» و «امام الصوفیه»، و سلسله منتهی به ایشان را «معروفیه» و «امّ السلاسل» گفته‌اند (آملی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۵۱۹-۵۲۱؛ مناوی، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۷۱۵؛ انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱: ۱۲۰؛ مؤذن خراسانی، ۱۳۸۱ش: ۱۷۲؛ مجلسی، بی‌تا: ۱۵؛ زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۱۳؛ همو، ۱۳۸۵: ۷۱؛ طهرانی، ۱۴۲۳ق: ۱۹). معروف را از «أئمة المشایخ»، و در کنار بزرگانی چون ابراهیم ادهم، داود طائی، فضیل عیاض، از جمله نخستین کسانی دانسته‌اند که بعد از ائمه اطهار (ع) و اصحاب رسول اکرم (ص)، از علوم، معارف و مواجید عرفانی سخن به میان آورده و مقامات اولیا را نشر داده، و قولاً و فعلاً به نشر احوال عرفانی پرداخته‌اند (کلابادی، ۱۴۱۵ق: ۲۱ و ۲۴؛ روزبهان بقلی، ۱۴۲۸ق: ۱۱۱؛ ابن خلکان، بی‌تا، ج ۵: ۲۳۱-۲۳۳). در منابع عرفانی و بسیاری از طبقات و تراجم از او با القاب و عناوین بلندی یاد کرده، و مناقب او را بسیار، و او را از زاهدان و صالحان مشهور و پرآوازه دانسته‌اند (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۰۹؛ ابن ابی یعلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۷۷؛ ابن جوزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰: ۸۸؛ ذهبی، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۱۲۱۰؛ ابن مفلح، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۳۶؛ که این امر، نشان از جلالت قدر و منزلت والای ایشان در میان عارفان بزرگ دارد (نیز ر.ک: سلمی، ۱۴۲۴ق: ۷۴؛ خواجه انصاری، ۱۳۶۲: ۳۸؛ ابن خمیس، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۱۲؛ ابن اثیر، بی‌تا، ج ۳: ۹۱؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۳: ۳۶۱؛ ذهبی، ۱۴۰۲ق، ج ۹: ۳۳۹). بنا به گزارش بیشتر منابع تاریخی و تراجم، در زمان حیات و بعد از وفات معروف، مردمان عراق از ایشان تبرک، شفا و حوایجشان را می‌طلبیدند؛ و چون حاجات آنان

مستجاب می‌شده است، او را مستجاب‌الدعوه و مزارش را «تریاق مجرب» خوانده‌اند (سلمی، ۱۴۲۴ق: ۷۴-۷۵؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۳: ۲۰۲؛ قشیری، ۱۳۷۴[الف]: ۴۱؛ ابن ابی یعلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۷۷؛ سمعانی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۰: ۳۹۰؛ ابن خمیس، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۱۲؛ خواجه انصاری، ۱۳۶۲: ۳۸؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۳: ۳۶۱؛ جامی، ۱۳۸۲ق: ۳۵؛ کاسانی، ۱۴۰۲: ۶۵۰-۶۵۱). افزون بر آن، کرامات و خوارق عادات زیادی نیز به ایشان نسبت داده و او را «مقرّ الکرامات العلیّه و الاحوال السنّیه» خوانده‌اند (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۹: ۲۰۶)؛ و البته مهم‌ترین کرامتی که در بیشتر منابع به آن اشاره شده، استجابت دعای او در زمان حیات و پس از وفاتش می‌باشد که در بسیاری از منابع عرفانی و تراجم تاریخی به آن اشاره شده است (سلمی، ۱۴۲۴ق: ۷۴؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۳۶۲؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۳: ۲۰۳ و ۲۰۷-۲۰۸؛ میدی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۵۷؛ قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۶۶؛ ابن ابی یعلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۷۷، ۴۸۱، ۴۸۴؛ ابن ظفر صقلی، بی‌تا: ۱۴۳؛ ابن جوزی، بی‌تا: ۱۲۶-۱۲۷، ۱۴۷؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۳: ۳۶۲-۳۶۳؛ ابن اثیر، بی‌تا، ج ۳: ۹۱؛ سبط بن جوزی، ۱۴۳۴ق، ج ۱۳: ۳۶۰-۳۶۲؛ ابن خلکان، بی‌تا، ج ۵: ۲۳۲). مهم‌ترین و پرچالش‌ترین بخش از حیات معروف کرخی، ارتباط او با امام رضا(ع) است که در دو مقطع از زندگی او - در دوره کودکی - نوجوانی و دوران پیری - اتفاق افتاده است؛ که بنابر روایات تاریخی، در دوره کودکی یا نوجوانی به دست حضرت(ع) اسلام می‌آورد؛ و در دوران بزرگسالی یا پیری، دربان آن حضرت می‌شود؛ که البته برخی در این درباره تردید (مامقانی، ۱۳۸۳: ج ۳: ۲۲۸-۲۲۹؛ برای اطلاع بیشتر ر.ک: علامه طهرانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۶-۱۷: ۸۸-۹۱)، و عده‌ای حتی آن را انکار کرده‌اند (ر.ک: ابن جوزی، بی‌تا: ۱۸۳؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۴: ۶۱-۶۲، ج ۸: ۴۴؛ ذهبی، ۱۴۰۲ق، ج ۹: ۳۴۳؛ مجلسی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۳۰-۴۳۱؛ نیز ر.ک: خوانساری، ۱۳۵۶، ج ۸: ۱۳۶؛ زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۱۳-۱۱۴)؛ که این تردیدها و انکارها از جنبه‌های مختلف بوده

است؛ عده‌ای از جمله ابن جوزی (متوفی ۵۹۷ق)، ابن تیمیه و ذهبی، بدون هیچ مستندی، و در منابع شیعی، مجلسی در کتاب *عین الحیاه* (۱۳۸۲، ج ۱: ۴۳۰-۴۳۱)، و به تبع او برخی دیگر، صرف اینکه نام معروف در هیچ‌یک از کتاب‌های رجال شیعی نیامده است، اصل این ارتباط، به‌ویژه درباری معروف نزد آن حضرت را انکار کرده‌اند. درحالی‌که - چنان‌که خواهد آمد - بسیاری از منابع عرفانی، تراجم رجال و تاریخی و حتی بسیاری از بزرگان شیعی به این موضوع اشاره و حتی بر آن تأکید کرده‌اند. برخی از این منابع به اسلام آوردن معروف نزد امام رضا(ع) اشاره کرده‌اند؛ عده‌ای به درباری او، و گروهی نیز به هر دو موضوع پرداخته‌اند؛ که در ادامه به تفصیل از آن سخن خواهیم گفت.

۲. منبع‌شناسی و ادبیات تحقیق

منابع و مآخذ در شرح احوال معروف، به‌ویژه پیوند معروف کرخی با امام رضا(ع)، متنوع و متعدّدند؛ اما به‌طور کلی در سه دسته قابل تقسیم‌اند: منابع عرفانی، منابع تاریخی و منابع حدیثی و رجال شیعی؛ که بیشتر این منابع تقریباً درباره وقایع زندگی معروف، به‌ویژه ارادتش محضر حضرت ثامن الحجج(ع) هم‌داستان‌اند.

در بیشتر منابع متقدم عرفانی، از معروف سخن به میان آمده است؛ که از آن جمله *التعرف لمذهب اهل التصوف* (کلابادی، ۱۴۱۵ق: ۱۱)، *اللمع فی التصوف* (سراج طوسی، ۱۹۱۴م: ۱۸۵)، *قوت القلوب فی معامله المحبوب* (ابوطالب مکی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۲۰-۲۱، ۳۹۶-۳۹۷ و ج ۲، ۳۱-۳۲ به بعد)؛ و *تهذیب الاسرار* (ابوسعید خرگوشی، ۱۴۲۷ق: ۱۲، ۱۳۶ و ۳۴۵ به بعد) را می‌توان نام برد؛ اما مهم‌ترین و قدیمی‌ترین منبع عرفانی در باب ارادت و تشرف او به محضر امام رضا(ع)، *طبقات الصوفیه ابو عبدالرحمن سلمی* (متوفی ۴۱۲ق) است، که به اسلام آوردن معروف به دست آن حضرت اشاره کرده است (سلمی، ۱۴۲۴ق: ۷۵). خواجه عبدالله انصاری (متوفی ۴۸۱ق) - به تبع ابو عبدالرحمن سلمی - و نیز ابوالقاسم قشیری (متوفی ۴۶۵ق)، به همان مطالب اشاره کرده‌اند (خواجه

انصاری، ۱۳۶۲: ۳۸؛ قشیری، ۱۳۷۴: ۴۱). در بیشتر منابع عرفانی سده‌های پنجم هجری به بعد، تقریباً همین مطالب آمده است؛ از جمله هجویری - چنان‌که خود اشاره کرده - در این باره تابع سلمی و قشیری بوده، و علاوه بر ذکر همان مطالب، از روش آنان نیز پیروی کرده است (هجویری، ۱۳۸۳: ۱۷۳). ابوروح لطف الله بن ابی سعید، نیز او را از موالی امام رضا(ع) دانسته است (لطف الله بن ابی سعید، ۱۸۹۹م: ۱۰-۱۱)؛ عطار نیشابوری (۱۳۸۳: ۳۶۱)، و یافعی (۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۵۳)؛ و نیز علاءالدوله سمنانی (۱۳۶۹[الف]: ۳۱۶؛ همو، ۱۳۶۹[ب]: ۳۴۹) همان مطالب قشیری را آورده‌اند.

از سده نهم هجری به بعد نیز به جز ابن ملقن (۱۴۲۷ق: ۲۸۰)، دیگر نویسندگان عارف، از جمله خواجه محمد پارسا، از عارفان بزرگ سلسله نقشبندیه (۱۳۵۴: ۱۱-۱۲)، خوارزمی (۱۳۸۴، ج ۱: ۷۱، نیز ج ۳: ۹۹)؛ عبدالرحمن جامی (۱۳۸۲: ۳۵) و خواجه احمد کاسانی (۱۴۰۲: ۶۵۰-۶۵۱)؛ همان مطالب سلمی و خواجه عبدالله را نقل کرده‌اند.

از بزرگان شیعه، نخستین کسی که از معروف سخن به میان آورده، عبدالجلیل قزوینی رازی (زنده در ۵۶۰ق) است (۱۳۵۸: ۲۱۳). اما نخستین مؤلف شیعی که از ارتباط معروف با امام رضا(ع) سخن به میان آورده، ابن شهر آشوب است (۱۴۱۲ق، ج ۱۲: ۲۲۵). پس از ایشان سید بن طاووس (۱۴۰۰ق: ۵۲۰) و علامه حلی، هم در کشف المراد و هم در باب حادی عشر، ضمن اشاره به افتخار فضلا و بزرگان مشایخ به خدمتگزاری ائمه اطهار(ع) گفته است: «معروف الکرخی أسلم علی یدی الرضا علیه السلام و کان بواب داره» (حلی، ۱۳۸۴: ۵۳۸؛ همو، ۱۳۷۰: ۲۰۴).

در همان سده هفتم و هشتم هجری، یکی دیگر از بزرگان شیعه، به نام شیخ جمال‌الدین یوسف بن حاتم شامی، از همعصران علامه حلی و از شاگردان محقق حلی (متوفی ۶۷۶ق)، با تفصیل بیشتر و ذکر اهمیت آن، به این موضوع پرداخته است (ابن حاتم شامی، ۱۴۳۱ق: ۲۷۲).

ابن ابی جمهور احسائی ضمن تأکید بر این مطلب، گفته است که نه تنها ایشان، بلکه همه سالکان، مستغرق در بحار معرفت و شهود، و غرق در دریای علم و حکمت امیرالمؤمنین(ع) و اولاد آن حضرت هستند و همه، منسوب به ایشان و منسوب به شاگردان آن حضرت اند (ابن ابی جمهور، ۱۴۳۴ق، ج ۴: ۱۲۶۳).

بیشتر عارفان شیعی، از سده نهم هجری به بعد، از جمله: سید حیدر آملی (متوفی حدود ۷۸۸ق) در تفسیر المحيط الاعظم (۱۴۲۲ق، ج ۱: ۵۱۹؛ نیز قس: همان: ۲۲۰، که به جای امام رضا(ع)، حضرت امام جواد(ع) آمده است!) و نیز در المقدمات من کتاب نص النصوص (۱۳۶۷: ۲۲۰-۲۲۱؛ که گفته است معروف از حضرت(ع) خرقة نیز دریافته است)، عبدالله قطب بن محیی در مکاتیب (۱۳۴۶: ۹۳۰)، شمس الدین محمد لاهیجی (۱۳۷۸: ۵۸۵)، ابن ابی جمهور احسائی (۱۴۳۴ق، ج ۴: ۱۲۶۳) و حافظ حسین کربلائی (۱۳۴۹، ج ۱: ۶۸، ۲۵۱، ۳۴۲ و ج ۲، ۳۶۴؛ همچنین در حقیقة الشیعه منسوب به مقدس اردبیلی نیز به گونه ای همین مطالب آمده است (مقدس اردبیلی، ۱۳۷۹: ۲۴۹-۲۵۰). اندکی بعد از ایشان، قاضی نورالله شوشتری، نیز علاوه بر اشاره به این موضوع، گفته است که معروف نه تنها در علوم باطنی، بلکه در علوم ظاهری نیز از امام رضا(ع) بهره برده است (قاضی شوشتری، ۱۳۷۷ق، ج ۲: ۲۷).

در سده یازدهم هجری، ملاصدرا، از بزرگان حکمت شیعی، در شرح اصول کافی (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۲: ۵۲۱)، شیخ محمد مؤذن خراسانی (متوفی ۱۰۷۷ق) در تحفه عباسی (۱۳۸۱: ۱۶۷ و ۱۷۲ به بعد)؛ و نیز محمدتقی مجلسی در تشویق السالکین (بی تا: ۱۵-۱۶)، از دربانی معروف نزد حضرت ثامن الحجج(ع) سخن گفته اند.

از دیگر بزرگان شیعه در سده های بعد، که به صراحت به این موضوع پرداخته اند، می توان این افراد را نام برد: رضاقلی خان هدایت (متوفی ۱۲۵۰ق) در تذکره ریاض العارفین (هدایت، ۱۳۸۵: ۲۸، ۹۵ و ۱۵۸)، زین العابدین شیروانی (متوفی ۱۲۵۳ق) در

ریاض السیاحه (۱۳۶۱)، ج ۱: ۳۶، ۳۸، ۱۳۵، ۱۹۵ و ۳۳۳ و بستان السیاحه (۱۳۱۵: ۶۵)؛ راز شیرازی (متوفی ۱۲۸۶ق) در مناهج أنوار المعرفة فی شرح مصباح الشریعه (۱۳۶۳، ج ۱: ۶۴۵-۶۴۶ و ج ۲: ۸۴۲-۸۴۳)، و محمد معصوم شیرازی (متوفی ۱۳۴۴ق) نویسنده طرائق الحقائق (معصوم علیشاه، بی تا، ج ۲: ۱۳۳).

همچنین برخی از عالمان و محققان معاصر شیعه، از جمله محمدباقر موسوی خوانساری در روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات (۱۳۵۶، ج ۴: ۲۹ و ج ۸: ۱۳۴-۱۳۵)، آقابزرگ طهرانی در طبقات اعلام الشیعه (۱۴۳۰ق، ج ۵: ۴۳، ۴۹۵)، علامه طهرانی در کتاب امام شناسی (۱۴۲۲ق، ج ۱۶-۱۷: ۸۶-۹۱)، مطهری (۱۳۸۰، ج ۲: ۱۱۵)، حسن زاده آملی (۱۳۷۵: ۳۰-۳۷) و سید حسین نصر (۱۳۷۹، مجموعه شماره ۷: ۲۶) از ارادت معروف نسبت به حضرت ثامن الحجج(ع) سخن گفته‌اند (نیز ر.ک: حسینی میلانی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲۶۲ و ج ۳: ۲۲۲؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۵ق: ۶۵؛ قمی، ۱۴۲۹ق، ج ۳: ۱۱۰؛ همو، ۱۳۸۰: ۳۴۲-۳۴۳)؛ و از آن میان، علامه طهرانی بیش از همه به دفاع از این موضوع پرداخته است (علامه طهرانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۶-۱۷: ۸۶-۹۱؛ همو، ۱۴۲۶ق: ۱۴۶؛ نیز ر.ک: امین، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۲۲، ج ۳: ۵۹۱ و ج ۶: ۳۰۱، که هرچند اشاره‌ای به ارتباط ایشان با امام(ع) نکرده، از او به بزرگی و احترام یاد کرده است). در مقاله «معروف کرخی» به قلم حسن ذوالفقاری (۱۳۸۵: ۱۳۵)، این پیوند مورد تردید قرار گرفته است.

اما در باب منابع تاریخی و تراجم، به جرئت می‌توان گفت که در بیشتر منابع تاریخی، به ویژه طبقات، سیر و تراجم، از حالات و سخنان معروف سخن به میان آمده است. قدیمی‌ترین منابعی که در آن‌ها از معروف سخن به میان آمده، کتاب الکنی و الاسماء از ابوبشر دولابی (متوفی ۳۱۰ق) و کتاب الثقات ابن حبان (متوفی ۳۵۴ق) است که به بزرگی از او یاد کرده‌اند (ابوبشر دولابی، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۱۰۷؛ ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۹: ۲۰۶). اما از آن میان، مهم‌ترین و قدیم‌ترین مورخان و سیره‌نویسانی که از اسلام آوردن معروف

نزد حضرت امام رضا(ع) و ارادتش نسبت به ایشان، سخن به میان آورده، عبارت‌اند از: خطیب بغدادی (متوفی ۴۶۳ق) در *تاریخ بغداد* (۴۲۵ق، ج ۱۳: ۲۰۲)؛ ابن ابی یعلی (متوفی ۵۲۶ق)، در *طبقات الحنابلة* (۴۱۰ق، ج ۲: ۴۷۷، ۴۸۱ و ۴۸۴)؛ ابن خمیس موصلی (متوفی ۵۵۲ق) در *مناقب الابرار و محاسن الاخيار* (۴۲۷ق، ج ۱: ۱۲۰)؛ ابن ظفر صقلی (متوفی ۵۶۵ یا ۵۶۷ق) در *انباء نجباء الابرار* (بی تا: ۱۴۳)؛ ابن جوزی در بیشتر آثارش (بی تا: ۱۲۶-۱۲۷، ۱۴۷، همو، ۴۲۳ق، ج ۱: ۱۸۱-۱۸۲؛ همو، ۴۱۵ق، ج ۱۰: ۸۸-۸۹)؛ ابن اثیر (متوفی ۶۳۰ق) در *اللباب فی تهذیب الانساب* (بی تا، ج ۳: ۹۱)؛ سبط بن جوزی (متوفی ۶۵۴ق) در *مرآة الزمان* (۴۳۴ق، ج ۱۳: ۳۶۰-۳۶۲)؛ ابن خلکان (متوفی ۶۸۱ق) در *وفیات الاعیان* (بی تا، ج ۵: ۲۳۲)؛ علیمی مقدسی در *المنهج الاحمد* (۱۹۹۷م، ج ۳: ۲۱۹، نیز: ج ۱: ۱۳۷-۱۳۸ و ج ۲: ۱۷۹).

۳. شرح احوال معروف کرخی و پیوندش با امام رضا(ع)

معروف کرخی، از جمله عارفان بزرگی است که نام و آوازه‌اش تا قرن‌ها در جهان اسلام مطرح بوده و به‌رغم آنکه دانسته‌های ما دربارهٔ حیات او بسیار اندک و مبتنی بر گزارش‌های کوتاه و پراکنده و گاه متناقض است، در بیشتر منابع عرفانی، به‌ویژه تذکره‌ها، و همچنین منابع تاریخی، طبقات و تراجم و نیز منابع روایی و رجال شیعی از ایشان سخن به میان آمده است.

زادگاه معروف را برخی کرخ بغداد - از محلات شیعه‌نشین بغداد - عده‌ای کرخ سامرا و بعضی دیگر کرخ باجدا - روستایی در اطراف بغداد - و نیز کرخ جلدان گفته‌اند؛ از جمله خطیب بغدادی در *تاریخ بغداد* (۴۲۵ق، ج ۱۳: ۲۰۱)؛ ابن ابی یعلی در *طبقات الحنابلة* (۴۱۰ق، ج ۲: ۴۷۷)؛ ابن جوزی در *مناقب معروف الکرخی و اخباره* (بی تا: ۴۷)؛ ابن اثیر در *اللباب فی تهذیب الانساب* (بی تا، ج ۳: ۹۱)؛ سبط بن جوزی در *مرآة الزمان* (۴۳۴ق، ج ۱۳: ۳۵۲)؛ ابن خلکان در *وفیات الاعیان* (بی تا، ج ۵: ۲۳۳) و زکریا بن محمد

قزوینی (متوفی ۶۸۲ق) در آثار البلاد و اخبار العباد (بی تا: ۴۴۴) ایشان را منسوب به کرخ بغداد دانسته‌اند (نیز ر.ک: ابن جوزی، ۴۲۳ق، ج ۲: ۱۷۹؛ ابن مفلح، ۴۱۰ق، ج ۳: ۳۶؛ زرکلی، ۲۰۰۲م، ج ۷: ۲۶۱). اما سمعانی (متوفی ۵۶۲ق) در الانساب، ضمن معرفی سه کرخ نخست، و با اشاره به دیدگاه خطیب بغدادی، معروف را از کرخ باجداً شمرده است (سمعانی، ۴۰۰ق، ج ۱۰: ۳۸۸-۳۸۹؛ نیز ر.ک: ابن اثیر، بی تا، ج ۳: ۹۱). یاقوت حموی (متوفی ۶۲۶ق) در معجم البلدان، ضمن آنکه همگی اهل کرخ را شیعه امامیه شمرده، معروف را از کرخ جدا دانسته است (یاقوت حموی، ۱۳۹۷ق، ج ۴: ۴۴۷-۴۴۹؛ همچنین درباره کرخ بغداد، ر.ک: اصطخری، ۱۳۴۰: ۸۴-۸۵؛ قاضی شوشتی، ۱۳۷۷ق، ج ۱: ۶۶؛ احمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۳ به بعد). اما با توجه به شرح احوال او و اینکه بیشتر منابع، معروف را از کرخ بغداد دانسته‌اند، قول نخست صحیح‌تر به نظر می‌رسد؛ به‌ویژه چنان‌که زرین کوب نیز گفته است: «اقتضای آنکه در نسبت وی همه جا کرخی مطلق گفته‌اند، همچنین اقتضای شهرت او به تشیع آن است که وی از کرخ بغداد باشد» (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۱۳؛ نیز ر.ک: طهرانی، ۱۴۲۳ق: ۴۲ به بعد).

نام پدرش را فیروز/فیرز یا فیروزان/فیرزان و نیز علی گفته‌اند؛ از جمله ابو عبد الرحمن سلمی، به نقل از جدش، اسماعیل بن نجید، نام پدر ایشان را - علاوه بر فیروز - هم فیرزان و هم بنابر نقلی، علی نامیده، و از ایشان با عنوان «معروف بن علی الکرخی الزاهد» یاد کرده است (سلمی، ۱۴۲۴ق: ۷۴؛ نیز ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۳: ۲۰۱؛ ابن خمیس، ۴۲۷ق، ج ۱: ۱۲۰؛ سمعانی، ۴۰۰ق، ج ۱۰: ۳۸۹؛ ابن ظفر مکی صقلی، بی تا: ۱۴۱؛ ابن جوزی، بی تا: ۴۷؛ همو، ۴۲۳ق، ج ۲: ۱۷۹؛ همو، ۴۱۵ق، ج ۱۰: ۸۸؛ سبط بن جوزی، ۴۳۴ق، ج ۱۳: ۳۵۲؛ ذهبی، ۴۱۰ق، ج ۴: ۱۲۱۰). پدر و مادرش را برخی، نصرانی، عده‌ای زرتشتی، و بعضی دیگر نیز از صابئین نهربان - از روستاهای واسط - دانسته‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۳: ۲۰۱؛ خواجه انصاری، ۱۳۶۲: ۳۸؛ ابن جوزی، بی تا: ۴۸-۴۹؛ ذهبی، ۱۴۰۲ق، ج ۹: ۳۳۹؛ همو، ۴۱۰ق، ج ۴: ۱۲۱۰؛ سبط بن

جوزی، ۱۴۳۴ق، ج ۱۳: ۳۵۳؛ نیز ر.ک: نیکلسون، ۱۳۶۶: ۵۲؛ همو، ۱۳۵۷: ۴۵؛ زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۱۳؛ طهرانی، ۱۴۲۳ق: ۲۵ به بعد؛ که البته قول نخست، با توجه به نام برادران معروف - عیسی و موسی - (برای نام برادران او ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۳: ۲۰۴، ۲۰۷؛ طهرانی، ۱۴۲۳ق: ۳۵ به بعد؛ و نیز حکایات بعدی، درست‌تر به نظر می‌رسد. هرچند به دلیل نام فیروز یا فیروزان، و اشاره ابن‌ظفر صقلی (متوفی حدود ۵۶۵ق) در *انباء نجباء الانباء* (بی‌تا: ۱۴۱) که پدر و مادر او را ایرانی دانسته، زرتشتی بودن آنان نیز محتمل است.

معروف در محله کرخ چشم به جهان گشود (ر.ک: عطار، ۱۳۸۳: ۳۰۷، که انعقاد نطفه او را از کرامات شیخ داود طائی و به برکت پاره نانی دانسته است که به پدر او بخشید؛ و از همین رو، نسبت کرخی یافت. تاریخ ولادت او دانسته نیست؛ اما با توجه به دوران حیاتش و اتفاقات زندگی او، و نیز تاریخ وفات برخی از استادانش، از جمله ربیع بن صبیح (متوفی ۱۶۰ق)، که نزد او حدیث شنید، ولادتش را می‌توان در دهه ۱۴۰ق - حدود ۱۴۵ق - حدس زد (قس: جبوری، بی‌تا: ۲۴).

دانسته‌های ما درباره دوران کودکی و نوجوانی او محدود به حکایتی است که ابوالقاسم قشیری به نقل از ابوعلی دقاق نیشابوری (متوفی ح ۴۰۶ق)، عارف بزرگ سده چهارم هجری، در *رساله قشیری* آورده (قشیری، ۱۳۷۴ [الف]: ۴۱؛ نیز ر.ک: مؤذن خراسانی، ۱۳۸۱: ۱۷۸)، و بعدها ابن خمیس موصلی در *مناقب الابرار و محاسن الاخیار* (۱۴۲۷ق، ج ۱: ۱۲۰-۱۲۱)، ابن‌ظفر صقلی در *انباء نجباء الانباء* (بی‌تا: ۱۴۱-۱۴۲)، ابن شهر آشوب (متوفی ۵۸۸ق) در *مناقب آل ابی‌طالب* (۱۴۱۲ق، ج ۱۲: ۲۲۵) و ابن جوزی در *مناقب معروف الکرخی و اخباره* (بی‌تا: ۵۱-۵۲؛ نیز ر.ک: همو، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰: ۸۸)؛ و همچنین عطار نیشابوری در *تذکرة الأولیاء* (۱۳۸۳: ۲۶۱)، سبط بن جوزی در *مرآة الزمان* (۱۴۳۴ق، ج ۱۳: ۳۵۳-۳۵۴) و ابن خلکان در *وفیات الاعیان* (بی‌تا، ج ۵: ۲۳۱-۲۳۲) آن را نقل کرده‌اند؛ و همین حکایت را ابن جوزی در *صفة الصفوة* با تفاوت‌هایی به نقل

از عیسی، برادر معروف کرخی آورده است (ابن جوزی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۱۷۹-۱۸۰؛ نیز ر.ک: همو، بی تا: ۵۱-۵۳ و ۱۸۳؛ نیز قس: همو، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰: ۸۸؛ ذهبی، ۱۴۰۲ق، ج ۹: ۳۳۹، و در دیگر آثارش، که به اسلام آوردن او نزد امام رضا ع اشاره‌ای نکرده و درباری‌اش نزد آن حضرت را نیز رد کرده است). طبق این حکایت، پدر و مادر معروف کرخی، برای تعلیم و تربیت معروف، او را به معلم مسیحی سپردند و معلم که ظاهراً کشیش و روحانی مسیحی بوده است، از همان آغاز در تعلیم آموزه تثلیث به معروف سعی بسیار کرد؛ اما به‌رغم کوشش و اصرار او بر تلقین «ثَلَاثُ ثَلَاثَة»، معروف بر توحید و قول «احد احد» و «هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ» تأکید داشت؛ و چنان‌که برخی گفته‌اند او از همان کودکی گرایش به اسلام داشت، و به همراه کودکان کرخ که احتمالاً شیعه بوده‌اند، نماز می‌گزارد (ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۳: ۲۰۱؛ ابن جوزی، بی تا: ۴۹؛ سبط بن جوزی، ۱۴۳۴ق، ج ۱۳: ۳۵۳-۳۵۴)؛ تا اینکه مورد ضرب و شتم معلم واقع شد و به ناچار از مدرسه فرار کرد (قشیری، ۱۳۷۴[الف]: ۴۱؛ ابن خمیس، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۱۲۰-۱۲۱؛ ابن جوزی، بی تا: ۵۱-۵۲؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۳: ۲۶۱؛ ابن ملقن، ۱۴۲۷ق: ۲۸۰-۲۸۱؛ خوارزمی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۷۱؛ خواندمیر، ۱۳۳۳، ج ۲: ۲۵۴-۲۵۵)؛ و تا سال‌ها از شهر و دیار خود دور ماند. تاریخ و مدت زمان دوری معروف از خانه و دیار و همچنین شهر و دیاری که بدان فرار کرد، چندان روشن نیست؛ اما با توجه به آنکه گفته‌اند «پدر و مادرش همی گفتند: کاشکی بازآمدی بر هر دین که خواستی موافقت وی کردیمی» (قشیری، ۱۳۷۴[ب]: ۲۸-۲۹؛ همو، ۱۳۷۴[الف]: ۴۱؛ ابن خمیس، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۱۲۰-۱۲۱؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۳: ۲۶۱؛ ابن ملقن، ۱۴۲۷ق: ۲۸۰-۲۸۱؛ خوارزمی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۷۱)، و ابن جوزی نیز بازگشت او را بعد از سال‌های زیاد - بعد سنین کثیره - گفته است (ابن جوزی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۱۷۹؛ همو، بی تا: ۵۳؛ نیز ر.ک: ابن ظفر صقلی، بی تا: ۱۴۲)، دوری او از خانواده‌اش را می‌توان چند سالی حدس زد.

با عنایت به گزارش بیشتر منابع عرفانی و تاریخی، و طبقات و تراجم، و همچنین برخی منابع شیعی، مبنی بر تشرف معروف خدمت حضرت ثامن الحجج (ع): «وکان معروف اسلم علی ید [یدی] علی بن موسی الرضا» (سلمی، ۱۴۲۴ق: ۷۵؛ قشیری، ۱۳۷۴[الف]: ۴۱؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۳: ۳۶۱؛ ابن جوزی، بی تا: ۵۱؛ ابن خلکان، بی تا، ج ۵: ۲۳۱؛ سبط بن جوزی، ۱۴۳۴ق، ج ۱۳: ۳۵۳-۳۵۴؛ مستوفی، ۱۳۹۴: ۶۳۷)، و همچنین با توجه به اظهار صریح برخی از بزرگان، از جمله ابوالقاسم قشیری (۱۳۷۴[الف]: ۴۱)؛ ابن خمیس (۱۴۲۷ق، ج ۱: ۱۲۰-۱۲۱)، ابن ظفر صقلی (بی تا: ۱۴۲)، ابن شهر آشوب (۱۴۱۲ق، ج ۱۲: ۲۲۵) و عطار نیشابوری (۱۳۸۳: ۲۶۱)، که ملاقات معروف با آن حضرت را در همین دوره دانسته‌اند، و به‌ویژه ابن ظفر صقلی در *انباء نجباء الانباء*، که گفته است: «حتی لقی علیا بن موسی الرضی علیه السلام و هو غلام فاسلم علی یدیه و تولاه و خدمه مدّه طویلّه ثمّ عاد إلی أهله بعد ذلک...»، می‌توان به احتمال قریب به یقین گفت که معروف در این مدت، مصادف با عصر امامت حضرت امام موسی بن جعفر (ع) (امامت: ۱۴۸ تا ۱۸۳ق)، و در دوره کودکی و نوجوانی امام رضا (ع) (ابن ظفر صقلی، بی تا: ۱۴۲)، به مدینه منوره رفته بوده و در آنجا در شمار موالیان آن حضرت (ع) درآمده و به دست مبارکشان اسلام آورده است (ر.ک: قشیری، ۱۳۷۴[الف]: ۴۱؛ همو، ۱۳۷۴[ب]: ۲۹؛ ابن خمیس، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۱۲۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲: ۲۲۵؛ ابن ظفر صقلی، بی تا: ۱۴۲)؛ و تا مدت‌ها در پناه و حمایت خاندان امامت و ولایت (ع) بوده است؛ و شاید - چنان‌که برخی گفته‌اند (قاضی شوشتری، ۱۳۷۷ق، ج ۲: ۲۷) - از محضر آن حضرت، علوم و معارف دینی را نیز آموخته باشد. به هر حال، او از همان آغاز تشرف در شمار محرمان خاص آن حضرت درآمد و با توجه به گفته حمدالله مستوفی در *تاریخ گزیده* که «بر دست علی بن موسی الرضا مسلمان شد و در سلوک آمد» (مستوفی، ۱۳۹۴: ۶۳۷)، می‌توان احتمال داد که نزد آن حضرت (ع) به تزکیه نفس پرداخت و تعالیم معنوی و فیوضات رحمانی و نیز اجازه ارشاد را از ایشان دریافت کرد

(ر.ک: کیلانی، ۱۹۹۰م: ۵۵-۵۶؛ نیز ر.ک: فخر رازی، ۱۹۸۶م، ج ۲: ۳۱۵؛ ابن خلکان، بی تا، ج ۵: ۲۳۱؛ عامری حرّی، ۱۴۰۵ق: ۱۸۶؛ ابن حاتم شامی، ۱۴۳۱ق: ۲۷۲؛ جامی، ۱۳۸۲: ۳۵؛ شعرانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۶۱؛ حافظ کربلایی، ۱۳۴۹، ج ۲، ۳۶۴؛ قس: ابن جوزی، ۴۲۳ق، ج ۲: ۱۷۹، که به اسلام آوردن او نزد امام رضا(ع) اشاره‌ای نکرده است).

شایان ذکر است که این احتمال با آنچه درباره ملاقات و مصاحبت او با داود طائی (متوفی ۱۶۵ق) گفته‌اند (عطار نیشابوری، ۱۳۸۳: ۳۶۱؛ ابن خمیس، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۱۲۰؛ نیز ر.ک: سلمی، ۱۴۲۴ق: ۷۴-۷۵؛ جامی، ۱۳۸۲: ۳۵؛ حافظ کربلایی، ۱۳۴۹، ج ۱: ۹۷، ۲۵۰ و ج ۲: ۳۶۴، ۳۶۷) و نیز استماع حدیث نزد برخی محدثان بغداد، از جمله ربیع بن صبیح و بکر بن خنیس (متوفی ۱۷۰ق)، و همچنین با حکایتی که به نقل از خود معروف درباره شرکتش در مجالس وعظ بن سَمَک (متوفی ۱۸۳ق) آمده است، سازگارتر می‌نماید.

معروف با توجه به وفات استاد روایی‌اش، ربیع بن صبیح، در ۱۶۰ق، احتمالاً پیش از سال ۱۶۰ق، به بغداد بازگشت و پس از بازگشتش به بغداد، چنان‌که ابن جوزی به نقل از برادرش، عیسی، گفته است، نخست مادرش و سپس پدرش و دیگر افراد خانواده او اسلام آوردند (ابن جوزی، ۴۲۳ق، ج ۲: ۱۷۹-۱۸۰؛ نیز ر.ک: همو، بی تا: ۵۱-۵۴) و پدرش نام خود را نیز به علی تغییر داد.

او در این دوره، با بزرگان عرفان نیز مصاحبت و معاشرت یافت؛ از جمله مدتی در معیت داود طائی بود (ر.ک: سبط بن جوزی، ۴۳۴ق، ج ۱۳: ۳۶۶؛ ذهبی، ۴۰۲ق، ج ۹: ۳۳۹؛ همو، ۴۱۰ق، ج ۴، که ارتباط و مصاحبت او با داود طائی را رد کرده‌اند) و او را بزرگ می‌داشت (هجویری، ۱۳۸۳: ۱۶۷-۱۶۸؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۳: ۳۰۸؛ جامی، ۱۳۸۲: ۳۷؛ حافظ کربلایی، ۱۳۴۹، ج ۲: ۹۷، ۳۶۷ و ۴۷۴). بعد از وفات داود طائی نیز با برخی از مریدان او مصاحبت و مراودت یافت (قشیری، ۱۳۷۴[الف]: ۴۲؛ همو،

۱۳۷۴[ب]: ۲۹؛ نیز ر.ک: ابن خلکان، بی تا، ج ۵: ۲۳۱؛ حافظ کربلایی، ۱۳۴۹، ج ۲: ۳۶۴-۳۶۵؛ و البته همین امر سبب شده است که برخی او را از مریدان داود طائی بدانند و سلسله طریقتی او را از طریق وی و سپس حبیب عجمی و حسن بصری (متوفی ۱۱۰ق) به امیرالمؤمنین(ع) برسانند (ابن منور، ۱۳۷۶: ۲۶ و ۴۹؛ روزبهان ثانی، ۱۳۴۹: ۳۲؛ آملی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۵۲۰-۵۲۱؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۳۴ق، ج ۴: ۱۲۴۶ و ۱۲۶۲-۱۲۶۳؛ سبکی، بی تا، ج ۵: ۱۵۷؛ حافظ کربلانی، ۱۳۴۹، ج ۱: ۹۷؛ معصوم علیشاه، بی تا، ج ۲: ۵۷؛ نیز ر.ک: ابن منور، ۱۳۷۶: ۳۲).

در برخی منابع از مصاحبت او با داود طائی سخن به میان آمده، نه مریدی و تلمذ او (سلمی، ۱۴۲۴ق: ۷۵؛ نیز ر.ک: خواجه انصاری، ۱۳۶۲: ۳۸؛ جامی، ۱۳۸۲: ۳۵؛ ابن مفلح، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۳۷؛ مامقانی، ۱۳۸۳، ج ۲۶: ۲۸۸-۲۸۹)، باین همه، این مطلب منافاتی با ارادت او به حضرت ثامن الحجج(ع) ندارد (ر.ک: پارسا، ۱۳۵۴: ۱۱-۱۲؛ نیز قس: زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۱۳-۱۱۴)؛ و لذا چنان که شیخ علاءالدوله سمنانی گفته است: «اما از معروف کرخی دو شعبه می شود: یک شعبه، چنان که یاد کرده شد [منظور از طریق داود طائی است]؛ و شعبه دیگر، معروف کرخی صحبت با علی بن موسی الرضا داشته است» (ر.ک: سمنانی، ۱۳۶۹[الف]: ۳۱۴ و ۳۱۶).

برخی نیز به اشتباه، او را از مریدان فرقد سبخی (متوفی ۳۱۱ق)، مرید حسن بصری (متوفی ۱۱۰ق)، دانسته اند (ر.ک: ابن ندیم، بی تا: ۲۶؛ نیز ر.ک: نیکلسون، ۱۳۵۷: ۴۵؛ قمی، ۱۳۹۱: ۳۰۴)، که البته از لحاظ تاریخی صحیح نیست.

معروف، چنان که اشاره شد، در بغداد علاوه بر مصاحبت با عارفان بزرگ، به فراگیری علوم و معارف دینی و از جمله علم قرائت و استماع حدیث نیز اشتغال یافت. به گزارش منابع رجال و تراجم، معروف از بکر بن خنیس، ربیع بن صبیح، عبدالله بن موسی و ابن سَمَّاک محدث، زاهد و واعظ مشهور کوفی حدیث شنید (سلمی، ۱۴۲۴ق: ۱۵۲؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۳۶۰، ۳۶۷-۳۶۸؛ بیهقی، ۱۴۲۱ق، ج ۳: ۳۱۵؛ خطیب

بغدادی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۳: ۲۰۱؛ ابن ابی یعلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۷۷-۴۷۸؛ سمعانی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۰: ۳۹۰؛ ابن جوزی، بی تا: ۶۶-۶۹؛ همو، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰: ۸۸؛ همو، ۱۳۶۸ق: ۶۷۳؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۳: ۹۱؛ سبط بن جوزی، ۱۴۳۴ق، ج ۱۳: ۳۶۶؛ ذهبی، ۱۴۰۲ق، ج ۹: ۳۴۰، ۳۴۵ و ج ۱۲: ۳۴۷، ۶۲۰؛ همو، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۱۲۱۰؛ ابن ملّقن، ۱۴۲۷ق: ۲۸۲؛ مزّی، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۲۰۸-۲۰۹ و ج ۲۶: ۴۹۹-۵۰۰؛ قزوینی، بی تا: ۴۴۵؛ علیمی مقدسی، ۱۹۹۷م، ج ۱: ۱۳۶؛ نیز ر.ک: ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۹: ۲۰۶).

او همچنین در همین دوره، از محضر وعظ بن سَمّاک، که در کوفه و گاهی در بغداد مجالس وعظ برپا می کرد (ر.ک: عطار نیشابوری، ۱۳۸۳: ۳۲۴) بهره برد؛ چنان که او خود گفته است:

به کوفه می شدم و مردی را دیدم و او را ابن سَمّاک گفتند. مردمان را پند همی داد و اندر بیان سخنش همی رفت که هر که به جملگی از خدای برگردد، خدای به جملگی از او برگردد، و هر کی با خدای گردد به کَلّی، خدای عزّوجلّ، بر وی به رحمت بازگردد، و همه خلق بازو گرداند و هر کی وقتی بازگردد و وقتی باز آید، حقّ سبحانه و تعالی، باشد که وقتی برو رحمت کند، سخن او اندر دل من افتاد و با خدای گشتم و همه شغل ها دست بداشتم مگر خدمت علیّ بن موسی الرّضا، این سخن او را بگفتم، گفت اگر پند پذیری این کفایت است (قشیری، ۱۳۷۴[ب]: ۲۹-۳۰؛ ابن خمیس، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۱۲۳).

این عبارت اخیرِ معروف: «این سخن او را بگفتم، گفت اگر پند پذیری این کفایت است»، که در ادامه این حکایت آمده، افزون بر آنکه نشان دهنده ارادت بسیار ایشان به امام رضا(ع) است، اشاره به آن دارد که معروف باز هم خدمت آن حضرت رسیده و این مطالب را به عرض ایشان رسانده است. به دلیل عدم اطلاع دقیق از دوران مختلف زندگی معروف، به ویژه دوران جوانی و بزرگسالی او، تاریخ، مکان و نحوه انجام این ملاقات

دانسته نیست؛ لذا براساس قراین و شواهد موجود می‌توان گفت با توجه به سال وفات معروف - در ۲۰۰ یا ۲۰۱ق - و نیز با عنایت به گزارش یعقوبی و برخی دیگر از مورخان که گفته‌اند حضرت ثامن الحجج(ع) در مسیر حرکت به‌سوی خراسان - در حدود ۲۰۰ یا ۲۰۱ق - به بغداد آمد^۲ و از آنجا راه مرو را در پیش گرفت (یعقوبی، ۱۳۴۲، ج ۳: ۱۷۶؛ نیز ر.ک: بیهقی، بی‌تا، ۱۵۶-۱۵۷: که گفته است امام رضا(ع)، پوشیده و متنگر به بغداد آمد و وی را به جایی نیکو فرود آوردند. پس یک هفته بپاسوده بود... و دیگر روز رضا(ع) را گسیل کرد با کرامت بسیار. او را تا به مرو آوردند؛ طهرانی، ۱۴۲۳ق: ۲۶۸-۲۷۲)، می‌توان این ملاقات را در اواخر حیات معروف، و در مدت اقامت کوتاه آن حضرت(ع) در بغداد - احتمالاً در محله کرخ که همگی شیعه بوده‌اند (قاضی شوشتری، ۱۳۷۷ق، ج ۱: ۶۶) - دانست؛ و همچنین درباری بارگاه حضرت ثامن الحجج(ع) را که بسیاری از منابع عرفانی و تراجم و نیز بسیاری از نویسندگان شیعی به معروف نسبت داده و بر آن تأکید کرده‌اند (سلمی، ۱۴۲۴ق: ۷۵؛ ابن‌حاتم شامی، ۱۴۳۱ق: ۲۷۲؛ مجلسی، بی‌تا: ۱۵-۱۶؛ قس: ابن جوزی، بی‌تا: ۱۸۳، که درباری معروف نزد حضرت(ع) را رد کرده است)، به‌احتمال در همین دوره و در مدت کوتاه حضور امام(ع) در بغداد بوده است. شایسته ذکر است که این احتمال را حکایتی که در *مجالس المؤمنین* آمده است نیز قوت می‌بخشد؛ زیرا در این حکایت از تاجری سخن به میان آمده است که به قصد سفر دریایی و برای ایمن بودن از آفات و حوادث دریایی به حضور امام رضا(ع) رسید و از آن حضرت طلب دعا داشت؛ اما به‌دلیل اشتغال حضرت به نماز، معروف رقع‌ای نوشت و به آن تاجر داد و او را روانه ساخت (قاضی شوشتری، ۱۳۷۷ق، ج ۲: ۲۷-۲۸؛ نیز ر.ک: خوانساری، ۱۳۵۶، ج ۸: ۱۳۶-۱۳۷؛ این حکایت را عماد اردبیلی در *تذکره السالکین*، ۱۳۸۷: ۷۶-۷۷، به نظم آورده است). در این حکایت اولاً به سفر دریایی اشاره شده، که با موقعیت جغرافیایی بغداد که در نزدیکی دجله است، تناسب دارد و ثانیاً از حضور معروف نزد امام(ع) و خدمتگزاری او نزد ایشان سخن به میان آمده است.

اما اینکه برخی از منابع، به ویژه منابع شیعی، او را از اصحاب و راویان امام صادق(ع) به شمار آورده‌اند (شیخ بهائی، ۱۳۶۶: ۷۹۷؛ خویی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹: ۲۵۲-۲۵۳؛ نیز ر.ک: علامه طهرانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۶-۱۷: ۸۷)، از لحاظ تاریخی صحیح نیست. این گزارش ظاهراً نخستین بار در *منازل السائرین* خواجه عبدالله انصاری (۱۴۳۲ق: ۳۰) و پس از آن، در کتاب *تاریخ مدینه دمشق* ابن عساکر (متوفی ۵۷۱ق) (بی تا، ج ۱۵: ۲۳۸) و *تسنیم المقرین* شمس الدین محمد تبادکانی (۱۳۸۲: ۸۶) آمده که معروف حدیثی از پیامبر اکرم(ص) درباره طلب حق، به روایت از امام جعفر صادق(ع) نقل کرده است. در کتاب *مناقب معروف کرخی و اخباره* ابن جوزی نیز از مصاحبت معروف با امام صادق(ع) سخن به میان آمده (ابن جوزی، بی تا: ۷۸). محمد بن منور نیز در *اسرار التوحید* (۱۳۷۶: ۳۲) به مریدی او نزد امام جعفر صادق(ع) اشاره کرده است. اما در برخی منابع شیعی، معروف از اصحاب و مریدان حضرت امام صادق(ع) شمرده شده است (خوانساری، ۱۳۵۶، ج ۸: ۱۳۵). این موضوع نخست در کتاب *التحصین* ابن فهد حلی (متوفی ۸۴۱ق) (۱۴۰۶ق: ۱۱) آمده است و پس از وی، و شاید به تبع او، شیخ بهائی (متوفی ۱۰۳۱ق) در کتاب *الاریعون حدیثا* (۱۴۱۵ق: ۲۶۶-۲۶۷)، فخرالدین طریحی (متوفی ۱۰۸۵ یا ۱۰۸۷ق) در کتاب *مجمع البحرین* (۱۳۷۵، ج ۵: ۹۹) و فیض کاشانی در *محجة البیضاء* (۱۳۷۲، ج ۴: ۱۱) بدان اشاره کرده‌اند (نیز ر.ک: اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ۱۱۸)؛ که البته برخی آن را ناشی از مشابهت اسمی معروف کرخی با معروف بن خربوذ مکی، از اصحاب امام صادق(ع) دانسته‌اند (خویی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹: ۲۴۹-۲۵۲؛ نیز ر.ک: معصوم عیاش، بی تا، ج ۲: ۲۹۹؛ قمی، ۱۴۲۹ق، ج ۳: ۱۱۱؛ طهرانی، ۱۴۲۳ق: ۲۶۸-۲۷۲؛ ر.ک: شیبی، ۱۳۸۳ق: ۲۴۲؛ نیز قس: خوانساری، ۱۳۵۶، ج ۸: ۱۳۶؛ علامه طهرانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۶-۱۷: ۸۶-۸۷)؛ و عده‌ای دیگر احتمال داده‌اند که منظور از جعفر در اینجا، جعفر ثانی، یعنی امام جواد(ع) باشد (خوانساری، ۱۳۵۶، ج ۸: ۱۳۵)؛ که البته با توجه به تاریخ وفات معروف صحیح نیست.

اما نکته قابل توجه آنکه شاید معروف این حدیث را با واسطه و به نقل از استادان روایی اش از امام جعفر صادق(ع) روایت کرده باشد. این نظریه از این حیث محتمل است که برخی از استادان روایی او، از اصحاب و راویان امام جعفر صادق(ع) بوده‌اند؛ که از آن جمله می‌توان ابن‌ابی‌حازم را نام برد (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۲۸۱؛ مامقانی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۵۴؛ خویی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰: ۲۸؛ نیز ر.ک: طهرانی، ۱۴۲۳ق: ۱۳۲-۱۳۴). افزون بر آن، داود طائی، که معروف از مصاحبان او بوده، نیز از اصحاب حضرت امام صادق(ع) بوده است (ر.ک: طهرانی، ۱۴۲۳ق: ۱۶۹ به بعد).

معروف در بغداد، شأن و منزلت بسیار و شهرت فراوان یافت (ابونعیم اصفهانی در *حلیۃ الاولیاء* (۱۴۰۹ق، ج ۸: ۳۶۵؛ نیز ر.ک: سبط بن جوزی، ۱۴۳۴ق، ج ۱۳: ۳۶۴)؛ و چنان‌که خطیب بغدادی گفته است، بسیاری از صالحان به ملاقات او می‌شتافتند و عارفان به دیدارش تبرک می‌جستند (خطیب بغدادی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۳: ۲۰۱؛ نیز ر.ک: ابن‌ابی‌یعلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۷۷؛ سمعانی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۰: ۳۸۹؛ ابن جوزی، بی‌تا: ۵۷، ۵۹؛ سبط بن جوزی، ۱۴۳۴ق، ج ۱۳: ۳۵۵؛ علیمی مقدسی، ۱۹۹۷م، ج ۱: ۱۳۶). از جمله آن بزرگان ابوسلیمان دارانی (متوفی ۲۱۵ق)، بشر بن حارث حافی (متوفی ۲۲۷ق)، ابن‌جلّاء (متوفی ۲۵۸ق)، ابراهیم صیّاد بغدادی و ابراهیم بن عیسی زاهد اصفهانی (متوفی ۲۴۷ق)، از عارفان بزرگ قرن دوم و سوم هجری را می‌توان نام برد؛ که از میان آن‌ها، بشر بن حارث بیش از همه معروف را حرمت می‌نهاد؛ و حکایاتی نیز از ارتباط آن دو نقل کرده‌اند (ابوطالب مکی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۹۶-۳۹۷؛ غزالی، بی‌تا، ج ۵: ۱۹۷؛ همو، ۱۳۵۲، ج ۲: ۴۱۶-۴۱۷؛ ابن‌عساکر، بی‌تا، ج ۶: ۳۳۴؛ ابن جوزی، بی‌تا: ۷۸؛ ابن‌ملقّن، ۱۴۲۷ق: ۸۴-۸۵ و ۲۸۵؛ جامی، ۱۳۸۲: ۴۳). همچنین ابوسلیمان دارانی نیز از جمله کسانی است که سخنان او را نقل کرده است (سلمی، ۱۴۲۴ق: ۷۸؛ ابن جوزی، بی‌تا: ۱۶۷-۱۶۸).

افزون بر آن، احمد بن حنبل (متوفی ۲۴۱ق)، امام حنبله، یحیی بن معین (متوفی ۲۲۳ق)، از فقیهان نامدار آن عصر، و عبدالوهاب وراق (متوفی ۲۵۱ق)، از عالمان و

صالحان مشهور، نیز از ارادتمندان او بودند. گفته‌اند که احمد بن حنبل و یحیی بن معین در جلسات و محافل معروف شرکت می‌جستند (ابوطالب مکی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۲۸۳؛ خطیب بغدادی، ۴۲۵ق، ج ۱۳: ۲۰۱ و ۳۵۵-۳۵۶؛ غزالی، بی‌تا، ج ۱: ۲۱-۲۲؛ همو، ۱۳۵۲ق، ج ۱: ۶۳؛ ابن جوزی، بی‌تا: ۸۹-۹۰؛ انصاری، ۴۲۸ق، ج ۱: ۱۲۰؛ سبط بن جوزی، ۴۳۴ق، ج ۱۳: ۱۳؛ مناوی، ۴۱۹ق، ج ۱: ۷۱۵؛ نیز ر.ک: هجویری، ۱۳۸۳: ۱۷۸)؛ و به گزارش بیهقی (متوفی ۴۵۸ق) در شعب الایمان، یحیی بن معین بسیار مشتاق دیدار معروف و درک محفل او بوده است (بیهقی، ۴۲۱ق، ج ۴: ۵۱۳؛ نیز ر.ک: ابوطالب مکی، ۴۱۷ق، ج ۱: ۲۸۳؛ غزالی، بی‌تا، ج ۱: ۲۱-۲۲؛ همو، ۱۳۵۲ق، ج ۱: ۶۳).

همچنین عبدالوهاب وراق نیز ایشان را زیارت کرده و او را خداترس‌ترین و زاهدترین افراد زمان خود شمرده است (ابن ابی‌یعلی، ۴۱۰ق، ج ۲: ۴۸۱؛ ابن جوزی، بی‌تا: ۸۴؛ سبط بن جوزی، ۴۳۴ق، ج ۱۳: ۳۵۵؛ علیمی مقدسی، ۱۹۹۷م، ج ۱: ۱۳۷). سفیان بن عیینه (متوفی ۱۹۸ق)، محدث و فقیه نامدار کوفی، نیز ظاهراً بآنکه او را ملاقات نکرد، ایشان را «حبر» خوانده است (ابونعیم اصفهانی، ۴۰۹ق، ج ۸: ۳۶۶؛ خطیب بغدادی، ۴۲۵ق، ج ۱۳: ۲۰۲؛ ابن ابی‌یعلی، ۴۱۰ق، ج ۲: ۴۷۹؛ ابن جوزی، بی‌تا: ۸۳، ۸۶؛ همو، ۴۱۵ق، ج ۱۰: ۸۸؛ سبط بن جوزی، ۴۳۴ق، ج ۱۳، ۳۵۴؛ ذهبی، ۴۰۲ق، ج ۹: ۳۴۰).

معروف تا آخر عمر در بغداد مجرد زیست (خطیب بغدادی، ۴۲۵ق، ج ۱۳: ۲۰۷؛ ابن ابی‌یعلی، ۴۱۰ق، ج ۲: ۴۸۷؛ ابن جوزی، بی‌تا: ۹۳؛ سبط بن جوزی، ۴۳۴ق، ج ۱۳: ۳۶۵؛ ابن ملقن، ۴۲۷ق: ۲۸۵؛ علیمی مقدسی، ۱۹۹۷م، ج ۱: ۱۳۸)؛ و از خانواده او نام دو تن از برادرانش، یعنی موسی و عیسی، و نیز سه تن از برادرزاده‌های او، به نام‌های ابویوسف یعقوب بن موسی بن فیروزان، جشم بن عیسی بن فیروزان و حسن بن عیسی بن فیروزان بر ما معلوم است (ابونعیم اصفهانی، ۴۰۹ق، ج ۸: ۳۶۱؛ خطیب بغدادی، ۴۲۵ق، ج ۱۳: ۲۰۷؛ ابن عساکر، بی‌تا، ج ۷۱: ۱۲۴؛ ابن جوزی، بی‌تا: ۷۹؛ ذهبی، ۴۰۲ق،

ج ۹: ۳۴۰؛ ر.ک: علیمی مقدسی، ۱۹۹۷م، ج ۲: ۱۷۹). افزون بر آن، به گفته برخی خواهرزاده‌ای نیز داشته که از مصاحبان او بوده است (خواجه انصاری، ۱۳۶۲: ۳۸).

معروف در مسجدی که بعدها به نام او شهرت یافت (خطیب بغدادی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۳: ۲۰۵)، ضمن عبادت و زهد، به تعلیم و تربیت مریدان نیز پرداخت؛ و چنان‌که زکریا بن محمد انصاری (متوفی ۹۲۶ق) و مناوی (متوفی ۱۰۲۱ق) اشاره کرده‌اند، در زمان خودش در عراق، در تربیت مریدان، بی‌مثل و بی‌نظیر بود (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱: ۱۲۰؛ مناوی، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۷۱۵). افزون بر آن، ابن حبان او را از قرّای بغداد نیز شمرده است (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۹: ۲۰۶)؛ و ابو عبدالرحمن سلمی، ابن ابی یعلی و دیگران نیز او را در زمره محدثان آن عصر دانسته‌اند (سلمی، ۱۴۲۴ق: ۷۴-۷۵؛ ابن ابی یعلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۷۷؛ ابن جوزی، بی‌تا: ۵۷). چنان‌که برخی گفته‌اند، معروف گاه در بغداد به نقل روایت نیز می‌پرداخته است؛ و به گزارش ابن حبان، مردمان عراق از او حدیث روایت می‌کردند (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۹: ۲۰۶)؛ که یکی از مهم‌ترین آنان، یحیی بن اکثم تمیمی (متوفی ۲۴۲ق) است که مدتی نیز در بغداد منصب قضاوت داشت (ابن مفلح، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۳۶). اما بیش از همه، خلف بن هشام البزاز، زکریا بن یحیی بن اسد المروزی، یحیی بن ابی طالب، عبدالله بن محمد بن سفیان، عیبالله بن محمد بن سفیان، میمون بن محمد بن عبدالسلام حرانی، محمد بن ابراهیم شامی و محمد بن منصور طوسی نزد او حدیث شنیدند (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۳۶۰، ۳۶۷-۳۶۸؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۳: ۲۰۱؛ ابن ابی یعلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۷۸ و ۴۸۱؛ سمعانی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۰: ۳۹۰؛ ابن جوزی، بی‌تا: ۵۸-۷۲ و ۸۹-۹۰؛ ابن اثیر، بی‌تا، ج ۳: ۹۱؛ ذهبی، ۱۴۰۲ق، ج ۹: ۳۴۰، ۳۴۲ و ج ۱۲: ۳۴۷، ۶۲۰؛ همو، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۱۲۱۰).

باین همه، ابو عبدالرحمن سلمی، فقط یک دعا، منسوب به رسول اکرم (ص) (سلمی، ۱۴۲۴ق: ۷۴-۷۵؛ ر.ک: ابونعیم اصفهانی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۳۶۷-۳۶۸؛ نیز ر.ک: ابن جوزی، بی‌تا: ۷۲-۷۳؛ میبلی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۶۵)، و ابن جوزی در مناقب معروف الکرخی و

اخباره، به جز آن دعا، شش حدیث از ایشان نقل کرده، و گفته است که او حدیث زیادی شنید، اما به دلیل اشتغال به تعبّد از روایت حدیث بازماند (ابن جوزی، بی تا: ۵۸-۷۳؛ ابن ابی یعلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۷۷؛ نیز: ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۹: ۲۰۶؛ قس: علیمی مقدسی، ۱۹۹۷م، ج ۱: ۱۳۶)؛ و ابونعیم اصفهانی (متوفی ۴۳۰ق)، نیز در توضیح این مطلب گفته است، معروف، ظرف بزرگ علم بود، و بیشتر می شنید، به همین دلیل روایات چندانی از او نقل نشده است (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۳۶۷؛ سبط بن جوزی، ۱۴۳۴ق، ج ۱۳: ۳۶۶؛ نیز ر.ک: ابن ابی یعلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۷۷؛ ذهبی، ۱۴۰۲ق، ج ۹: ۳۴۰).

مهم ترین مرید او، سری سقطی (متوفی ۲۵۳ق) بود (سلمی، ۱۴۲۴ق: ۴۱ و ۷۴؛ هجویری، ۱۳۸۳: ۱۶۸؛ ابن ابی یعلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۷۹؛ ابن خلکان، بی تا، ج ۲: ۳۵۷؛ قزوینی، بی تا: ۳۲۳؛ جامی، ۱۳۸۲: ۳۵، ۵۱؛ حافظ کربلایی، ۱۳۴۹، ج ۲: ۳۵۹؛ مناوی، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۶۱۸ و ۷۱۵)؛ که گفته اند که معروف، در اولین ملاقاتش با سری سقطی، به دلیل کار خیر و کردار پسندیده سریّ برایش دعا کرد که خداوند دنیا را در نظر او مبعوض گرداند (خواجه انصاری، ۱۳۶۲: ۳۹؛ ابن عساکر، بی تا، ج ۲۰: ۱۶۸؛ ابن جوزی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۱۸۱؛ ابن ملقّن، ۱۴۲۷ق: ۲۸۲؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۳: ۳۶۸).

۴. وفات و آرامگاه

معروف در همان زادگاهش از دنیا رفت. تاریخ وفاتش را به اختلاف، ۲۰۰ق، ۲۰۱ق و ۲۰۴ق نقل کرده اند که البته تاریخ اول و دوم محتمل تر است (ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۳: ۲۰۹؛ ابن ابی یعلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۹۰؛ سمعانی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۰: ۳۹۰؛ ابن جوزی، بی تا: ۱۸۰-۱۸۱؛ همو، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ۱۸۲؛ ابن خلکان، بی تا، ج ۵: ۲۳۳؛ قزوینی، بی تا: ۴۴۵؛ ابن اثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۴۲۷؛ سبط بن جوزی، ۱۴۳۴ق، ج ۱۳: ۳۵۲ و ۳۶۴؛ ذهبی، ۱۹۶۰م، ج ۱: ۳۳۵؛ ابن مفلح، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۳۷).

درباره علت و نحوه وفات او گفته اند بر اثر ازدحام مردم برای زیارت امام رضا(ع)،

دنده‌های معروف شکسته شد، و سرانجام نیز بر اثر همین امر از دنیا رفت (سلمی، ۱۴۲۴ق: ۷۵؛ نیز ر.ک: قشیری، ۱۳۷۴[ب]: ۲۹؛ خواجه انصاری، ۱۳۶۲: ۳۸؛ جامی، ۱۳۸۲: ۳۵؛ نبهانی، ۱۴۱۱ق: ۴۹۱).

پس از وفات معروف، او را در قبرستان شونیزیه یا «مقبره باب الدیر» در ناحیه کرخ در غرب شهر بغداد به خاک سپردند. این قبرستان، پیش از آن، به دلیل آنکه در جوار دیری مسیحی بود، به قبرستان باب‌الدیر مشهور بود؛ اما از این زمان به بعد، با نام قبرستان معروف و همچنین قبرستان شونیزیه، به عنوان یکی از قبرستان‌های مهم و تاریخی بغداد شناخته شد. چنان‌که برخی گفته‌اند، قبر معروف در مسجدی به نام خود که بارها تعمیر و بازسازی شده است، قرار دارد (ر.ک: جبوری، بی تا: ۲۴-۲۷؛ طهرانی، ۱۴۲۳ق: ۴۱۸ به بعد؛ جواد و سوسه، ۱۳۷۸ق: ۱۰ و ۸۹-۹۰؛ حرزالدین، ۱۳۸۹ق، ج ۱: ۳۴۲-۳۴۳ و ج ۲، ۳۱۸-۳۲۱).

۵. نتیجه

با توجه به گزارش بیشتر منابع عرفانی، تراجم و تذکره‌های تاریخی و نیز منابع شیعی، مبنی بر اسلام آوردن معروف کرخی به دست امام رضا(ع) و نیز درباری او نزد آن حضرت، و با توجه به وفات برخی از استادان روایی معروف در دهه ۱۶۰، می‌توان احتمال داد که معروف کرخی، پیش از دهه ۱۶۰ هجری - در دوره امامت امام موسی بن جعفر(ع) و در ایام نوجوانی حضرت امام رضا(ع) - با آن حضرت ملاقات می‌کند و تحت حمایت و تربیت معنوی ایشان قرار می‌گیرد؛ و تحت تأثیر آن حضرت، به سیروسلوک عرفانی گرایش می‌یابد؛ لذا به همین مناسبت است که معروف، به رغم علم‌آموزی، و سماع حدیث، همچنان به کسب معارف معنوی اهتمام می‌ورزید؛ و حتی به احتمال، خاندان او نیز بی‌تأثر از این واقعه نبودند؛ و شاید تغییر نام پدر او از فیروزان/ فیروزان به علی نیز نتیجه همین تأثر باشد.

هرچند در منابع به صراحت از دیگر ملاقات‌های معروف با امام رضا(ع) سخن به میان نیامده، با توجه به برخی حکایات، می‌توان احتمال داد که معروف، ملاقات‌های دیگری نیز با حضرت داشته است؛ که آخرین بار، زمانی است که امام(ع) در سفر به مرو - در حدود ۲۰۰ ق - مدت کوتاهی در بغداد، و احتمالاً در محله کرخ، رحل اقامت می‌افکنند، و در همین زمان است که معروف توفیق خدمتگزاری و درباری آن حضرت را می‌یابد؛ و در همین دوره به دلیل ازدحام شیعیان بغداد برای زیارت امام(ع)، معروف مجروح می‌شود و سرانجام نیز در همین دوره و در همان‌جا از دنیا می‌رود.

پی‌نوشت‌ها

۱. کنیه او را ابوالحسن نیز گفته‌اند (ر.ک: ابن جوزی، بی‌تا: ۴۷؛ سبط بن جوزی، ۱۴۳۴ق، ج ۱۳: ۳۵۳؛ ذهبی، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۱۲۱۰).
۲. شاید برای زیارت تربت پاک و مطهر پدر بزرگوارشان.

منابع

- آقابزرگ طهرانی، محمد محسن. (۱۴۳۰ق). طبقات اعلام الشيعة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- آملی، سید حیدر بن علی. (۱۴۲۲ق). تفسیر المحيط الأعظم والبحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم. تصحیح محسن موسوی تبریزی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- آملی، سید حیدر بن علی. (۱۳۶۷ش). المقدمات من کتاب نص النصوص فی شرح فصوص الحکم. تصحیح عثمان یحیی و هانری کرین. تهران: انتشارات توس.
- ابن ابی جمهور، محمد بن علی. (۱۴۳۴ق). مجلی مرآة المنجی فی الکلام والحکمتین والتصوف. تصحیح رضا یحیی پور فارمد. بیروت: جمعية ابن ابی جمهور احسائي لاحیاء التراث (دارالمحجة البيضاء).

ابن ابی یعلی، قاضی ابوالحسین محمد. (۱۴۱۰ق). *طبقات الحنابلة*. تصحیح عبدالرحمن بن سلیمان عیشمین. بی جا: بی نا.

ابن اثیر، عزالدین. (۱۴۰۷ق). *الکامل فی التاریخ*. تصحیح محمدیوسف دقاق. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن اثیر، عزالدین. (بی تا). *اللباب فی تهذیب الانساب*. تصحیح قاسم محمد رجب. بغداد: مکتبة المثنی.

ابن تیمیه، ابوالعباس احمد بن عبدالحلیم. (۱۴۰۶ق). *منهاج السنّة النبویه*. تصحیح محمد رشاد سالم. ریاض: جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامیه.

ابن جوزی، عبدالرحمن، (۱۳۶۸ش). *تلبیس ابلیس*. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

ابن جوزی، عبدالرحمن. (۱۴۲۳ق). *صفة الصفوة*. تصحیح ابراهیم محمد رمضان و سعید محمد لحام. چ ۳. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن جوزی، عبدالرحمن. (بی تا). *مناقب معروف الکرنخی وأخباره*. تحقیق عبدالله الجبوری. بیروت: دارالکتب العربی.

ابن جوزی، عبدالرحمن. (۱۴۱۵ق). *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*. تصحیح محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن حاتم شامی، جمال الدین یوسف. (۱۴۳۱ق). *الدّرر النّظیم فی مناقب الائمة الّهامیم*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

ابن حبّان، ابوحاتم محمد. (۱۳۹۳ق). *کتاب الثقات*. حیدرآباد دکن: مطبعة مجلس دائرةالمعارف العثمانیه.

ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین احمد. (بی تا). *وفیات الأعیان و انباء أبناء الزمان*. تصحیح احسان عباس. بیروت: دار صادر.

ابن خمیس، حسین بن نصر. (۱۴۲۷ق). *مناقب الابرار و محاسن الاختیار*. تصحیح محمد ادیب جادر. العین امارات: مرکز زائد للتراث و التاریخ.

معروف کرخی و تأملی در پیوند او با امام رضا(ع)، شمس ۳۶۳

ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۴۱۲ق). مناقب آل أبي طالب (ع). تصحيح يوسف بقاعي. ج ۲. بيروت: دارالأضواء.

ابن طاووس، رضى الدين ابوالقاسم على بن موسى. (۱۴۰۰ق). الطوائف فى معرفة مذاهب الطوائف. قم: مطبعة الخيام.

ابن طاووس، سيد عبدالكريم بن احمد. (بى تا). فرحة الغرى. قم: انتشارات الشريف الرضى.
ابن ظفر مكى صقلی، ابو عبدالله محمد. (بى تا). انباء نجباء الابناء. تصحيح مصطفى قباني دمشقى. مصر: بى تا.

ابن عساكر، ابوالقاسم على بن حسن. (بى تا). تاريخ مدينة دمشق. تصحيح على شبرى. بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع

ابن فهد حلى، احمد بن محمد. (۱۴۰۶ق). التحصين فى صفات العارفين. قم: انتشارات مدرسه امام مهدي (عج).

ابن ملقن، عمر بن على. (۱۴۲۷ق). طبقات الأولياء. تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا. ج ۲. بيروت: دارالكتب العلمية.

ابن مفلح، برهان الدين ابراهيم بن محمد. (۱۴۱۰ق). المقصد الارشد فى ذكر اصحاب الامام احمد. تصحيح عبدالرحمن بن سليمان العثيمين. رياض: مكتبة الرشد.

ابن منور، محمد. (۱۳۷۶ش). اسرار التوحيد. تصحيح محمدرضا شفيعى كدكنى. تهران: آگاه.

ابن نديم، محمد بن اسحاق. (بى تا). الفهرست. بيروت: دارالمعرفة.
ابوبشر دولابى، محمد بن احمد بن حماد. (۱۴۲۰ق). الكنى و الاسماء. تصحيح زكريا عميرات و احمد شمس الدين. بيروت: دارالكتب العلمية.

ابوروح، لطف الله بن ابى سعيد. (۱۸۹۹م). حالات و سخنان ابوسعيد ابوالخير. تصحيح ژوكوفسكى. سن پترزبورگ: بى نا.

ابوسعبد خرگوشى، عبدالملك بن محمد. (۱۴۲۷ق). تهذيب الاسرار فى اصول التصوف. تصحيح سيد محمدعلى امام. بيروت: دارالكتب العلمية.

ابوطالب مكى، محمد بن على بن عطيه. (۱۴۱۷ق). قوت القلوب فى معاملة المحبوب. تصحيح باسل عيون السود. بيروت: دارالكتب العلمية.

ابونعیم اصفهانی، عبدالله بن احمد. (۱۴۰۹ق). *حلیة الأولیاء و طبقات الأصفياء*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

احمدی، محمدقاسم. (۱۳۹۱ش). *محلّه کرخ*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی. (۱۳۸۱ق). *کشف الغمة فی معرفة الائمه*. تصحیح سید هاشم رسولی. تبریز: بی نا.

اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. (۱۳۴۰). *مسالك و ممالك*. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

امین، سید محسن. (۱۴۰۳ق). *اعیان الشیعه*. تحقیق حسن امین. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
انصاری، زکریا بن محمد. (۱۴۲۸ق). *نتائج الأفكار القدسیة فی بیان معانی شرح الرسالة التفسیریة*. تصحیح عبدالوارث محمدعلی. بیروت: دارالکتب العلمیه.

بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین. (۱۴۲۱ق). *شعب الایمان*. به کوشش ابوهاجر محمد سعید بن زغلول بسیونی. بیروت: دارالکتب العلمیه.

بیهقی، محمد بن حسین. (بی تا). *تاریخ بیهقی*. تصحیح سعید نفیسی. تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.

پارسا، خواجه محمد بن محمد. (۱۳۵۴). *قدسیه*. تصحیح احمد طاهری عراقی. تهران: انتشارات طهوری.

تبادکانی، شمس الدین محمد. (۱۳۸۲). *تسنیم المقرین*. تصحیح سید محمد طباطبایی بهبهانی (منصور). تهران: کتابخانه موزه و اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.

جامی، عبدالرحمن. (۱۳۸۲ش). *نفحات الانس*. تصحیح محمود عابدی. تهران: انتشارات سخن.
جبوری، عبدالله. (بی تا). *مقدمه مناقب معروف الکرخی و اخباره ابن جوزی*. قاهره: دارالکتاب العربی.
جواد، مصطفی و سوسه، احمد. (۱۳۷۸ق). *دلیل خارطة بغداد المفصل فی خطط بغداد قدیماً و حادیئاً*. بغداد: مطبعة المجمع العراقی.

حافظ کربلایی، حسین. (۱۳۴۹ش). *روضات الجنان و جنات الجنان*. تصحیح جعفر سلطان القرائی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

معروف کرخی و تأملی در پیوند او با امام رضا(ع)، شمس ۳۶۵

حرزالدین، محمد. (۱۳۸۹ق). *مراقد المعارف*. تصحیح محمدحسین حرزالدین. نجف اشرف: مطبعة الآداب.

حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۷۵ش). نقش عرفای اسلام در احیای معارف اسلامی. نشریه سوره، ۱ (۷۱)، ۳۰-۳۷.

حسینی میلانی، سید علی. (۱۳۹۱ش). *شرح المنهاج الکرامه فی معرفه الامامه*. قم: مرکز الحقائق الاسلامیه.

حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۵ق). *فضائل آل الرسول من الصواعق المحرقة* از ابن حجر هیثمی. دمشق (۴): مکتبه انصار آل محمد.

حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۷۰ش). *الباب الحادی عشر*. تصحیح مهدی محقق. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۸۴ش). *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*. تصحیح حسن حسن زاده آملی. چ ۴. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

خطیب بغدادی، حافظ ابوبکر احمد. (۱۴۲۵ق). *تاریخ بغداد أو مدینه السلام*. تصحیح مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.

خواجه انصاری، عبدالله. (۱۳۶۲ش). *طبقات الصوفیه*. تصحیح محمدسرور مولائی. تهران: انتشارات توس.

خواجه انصاری، عبدالله. (۱۴۳۲ق). *منازل السائرین*. ترجمه روان فرهادی. کابل: بی نا. خوارزمی، کمال الدین حسین. (۱۳۸۴ش). *جواهر الاسرار و زواهر الانوار*. تصحیح محمدجواد شریعت. تهران: نشر اساطیر.

خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین. (۱۳۳۳ش). *حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*. تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: انتشارات کتابفروشی خیام.

خوانساری، محمدباقر بن زین العابدین. (۱۳۵۵-۱۳۵۶ش). *روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات*. ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی. تهران: انتشارات اسلامی.

خویی، ابوالقاسم. (۱۴۰۹ق). *معجم رجال الحديث*. بیروت: دارالزهراء (س).

ذهبی، شمس‌الدین محمد. (۱۴۱۰ق). *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*. تصحیح عمر عبدالسلام تدمری. ج ۲. قاهره: دارالکتب العربی.

ذهبی، شمس‌الدین محمد. (۱۴۰۲ق). *سیر اعلام النبلاء*. به کوشش شعیب ارنؤوط. ج ۲. بیروت: مؤسسة الرسالة.

ذهبی، شمس‌الدین محمد. (۱۹۶۰م). *العبر فی خبر من غیر*. تصحیح صلاح‌الدین المنجد. کویت: التراث العربی.

ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۵ش). *معروف کرخی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*، شماره ۱۹.

راز شیرازی، ابوالقاسم. (۱۳۶۳ش). *مناهج أنوار المعرفة فی شرح مصباح الشریعه*. تصحیح سید محمدجعفر باقری. ج ۲. تهران: خانقاه احمدی.

روزبهان بقلی شیرازی، ابومحمد. (۱۳۹۳). *کشف الاسرار و مکاشفات الانوار*. تصحیح و ترجمه مریم حسینی. تهران: انتشارات سخن.

روزبهان بقلی شیرازی، ابومحمد. (۱۴۲۸ق). *المصباح فی مکاشفة بعث الأرواح*. تصحیح عاصم ابراهیم الکیالی الحسینی الشاذلی الدرقاوی. بیروت: دارالکتب العلمیه.

روزبهان ثانی، شرف‌الدین ابراهیم بن صدرالدین. (۱۳۴۹). *تحفة اهل العرفان*. به کوشش جواد نوربخش. تهران: بی‌نا.

زیبیدی، سید محمدمرتضی حسینی. (۱۴۰۸ق / ۱۹۸۷م). *تاج العروس من جواهر القاموس*. تصحیح مصطفی حجازی. کویت: بی‌نا.

زرکلی، خیرالدین. (۲۰۰۲م). *الاعلام*. ج ۱۵. بیروت: دارالعلم للملایین.

زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۵). *ارزش میراث صوفیه*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). *جستجو در تصوف ایران*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

سبط بن جوزی، شمس‌الدین ابوالمظفر یوسف. (۱۴۳۴ق). *مرآة الزمان فی تواریخ الاعیان*. به کوشش عمار ریحاوی و رضوان مامو. دمشق: دارالرسالة العالمی.

سبکی، تاج‌الدین ابونصر عبدالوهاب. (بی‌تا). *الطبقات الشافعیة الکبری*. تصحیح محمود محمد الطنحی و عبدالفتاح محمد الحلو. بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.

سراج طوسی، ابونصر عبدالله. (۱۹۱۴م). *اللمع فی التصوف*. به کوشش رینولد آلن نیکلسون. لیدن: بریل.

سلمی، ابوعبدالرحمن محمد بن حسین. (۱۴۲۴). *طبقات الصوفیه*. تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.

سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد. (۱۴۰۰ق). *الانساب*. تصحیح عبدالرحمن بن یحیی معلّمی یمانی. قاهره: بی نا.

سمنانی، علاءالدوله. (۱۳۶۹[الف]). *تذکره مشایخ مصنفات فارسی*. تصحیح نجیب مایل هروی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

سمنانی، علاءالدوله. (۱۳۶۹[ب]). *مکتوب شیخ علاءالدوله در جواب مکتوب مولانا تاج الدین کرکهری*. *مصنفات فارسی*. تصحیح نجیب مایل هروی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
شعرانی، عبدالوهاب. (۱۴۲۶ق). *الطبقات الکبری*. تصحیح احمد عبدالرحیم السایح و توفیق علی وهبة. قاهره: مكتبة الثقافة الدينية.

شیبی، عبدالوهاب. (۱۳۸۳). *الصلة بین التصوف و التشیع*. بغداد: مطبعة الزهراء (س).
شیخ بهائی، محمد بن حسین. (۱۴۱۵ق). *الاربعون حدیثا*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
شیروانی، زین العابدین. (۱۳۱۵). *بستان السیاحه*. تهران: چاپخانه احمدی.
شیروانی، زین العابدین. (۱۳۶۱). *ریاض السیاحه*. تصحیح حسین بدرالدین و اصغر حامد ربانی. تهران: انتشارات سعدی.

طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تصحیح احمد حسینی اشکوری. تهران: مکتبه المرتضویه.

طهرانی، شیخ قاسم. (۱۴۲۳ق). *معروف الکرخی: تلمیذ الامام الرضا علیه السلام و استاذ العرفاء*. بیروت: دارالمحجة البيضاء.

قزوینی رازی، ابورشید عبدالجلیل. (۱۳۵۸). *تقص، معروف به بعض مثالب النواصب فی تقص بعض فضائح الروافض*. به کوشش میر جلال الدین محدث ارموی. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
عامری حرّضی، یحیی بن ابی بکر. (۱۴۰۵ق). *غریبال زمان فی وفيات الاعیان*. تصحیح محمد ناجی زعبی العمر. دمشق: بی نا.

- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد. (۱۳۸۳). *تذکرة الأولیاء*. براساس تصحیح رینلود انیکلسون. به کوشش ع. روح بخشان. چ ۲. تهران: انتشارات اساطیر.
- علامه طهرانی، سید محمدحسین حسینی. (۱۴۲۲ق). *امام شناسی*. مشهد: مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلامی.
- علامه طهرانی، سید محمدحسین حسینی. (۱۴۲۶ق). *رساله لبّ الباب در سیر و سلوک اولی* *الالباب*. مشهد: مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلامی.
- علیمی مقدسی، مجیرالدین ابوالیمن عبدالرحمن. (۱۹۹۷م). *المنهج الاحمد فی تراجم اصحاب الامام احمد*. تصحیح عبدالقادر الارناؤوط. بیروت: دار صادر.
- عماد اردبیلی، میرزا محسن. (۱۳۸۷). *تذکرة السالکین*. تصحیح محمد خواجوی. شیراز: دریای نور.
- غزالی، محمد. (بی تا). *احیاء علوم الدین*. تصحیح عبدالرحیم بن حسین حافظ عراقی. بیروت: دارالکتب العربی.
- غزالی، محمد. (۱۳۵۲). *ترجمة احیاء علوم الدین*. ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی. تصحیح حسین خدیو جم. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- فخر رازی. (۱۹۸۶م). *الاربعین فی أصول الدین*. قاهره: بی نا.
- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۳۷۲). *راه روشن (ترجمة المحجة البيضاء)*. ترجمه سید محمدصادق عارف. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- قاضی شوشتری، نورالله. (۱۳۷۷[ب]). *مجالس المؤمنین*. تهران: انتشارات اسلامی.
- قزوینی، زکریا بن محمد. (بی تا). *اثار البلاد و اخبار العباد*. بیروت: دار صادر.
- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن. (۱۳۷۴). *الرسالة القشیریة*. تصحیح عبدالحلیم محمود و محمود بن شریف. قم: انتشارات بیدار.
- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن. (۱۳۷۴). *ترجمة رساله قشیریة*. ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی. تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. چ ۴. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- قطب بن محیی، عبدالله. (۱۳۴۶). *مکاتیب*. تهران: خانقاه احمدیه.
- قمی، عباس. (۱۳۸۰). *تتمة المنتهی*. تحقیق صادق حسن زاده. قم: انتشارات مؤمنین.
- قمی، عباس. (۱۴۲۹ق). *الکنی و الألقاب*. چ ۲. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

قمی، عباس. (۱۳۹۱). هدیه الاحباب. تصحیح غلامحسین انصاری. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

کاسانی، احمد. (۱۴۰۲). رساله عَلمیه. مجموعه رسائل خواجه احمد کاسانی. تصحیح محمد تقوی و عبدالله رادمرد. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار.

کلابادی، ابوبکر محمد. (۱۴۱۵ق). التعرف لمذهب اهل التصوف. به کوشش آرتور جفری. چ ۲. قاهره: مکتبة الخانجی.

کیلانی، شیخ نجم‌الدین محیی‌الدین. (۱۹۹۰م). سیر و مناقب ائمه التصوف و الدین. بغداد: بی‌نا. لاهیجی (اسیری لاهیجی)، شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۸). مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز.

تصحیح محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی. چ ۳. تهران: انتشارات زوار.

مامقانی، عبدالله. (۱۳۸۳). تنقیح المقال فی علم الرجال. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۸۲). عین الحیة. تصحیح مهدی رجایی. قم: أنوار الهدی.

مجلسی، محمدتقی. (بی‌تا). تشویق السالکین. تهران: انتشارات نور فاطمه.

مزی، جمال‌الدین ابوالحجاج یوسف. (۱۴۱۳ق). تهذیب الکمال فی أسماء الرجال. تصحیح بشار عواد معروف. بغداد: مؤسسه الرساله.

مستملی بخاری، ابوالبراهیم اسماعیل بن محمد. (۱۳۶۳). شرح التعرف لمذهب التصوف. به کوشش محمد روشن. تهران: انتشارات اساطیر.

مستوفی، حمدالله. (۱۳۹۴ش). تاریخ گزیده. تصحیح محمد روشن. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۰). آشنایی با علوم اسلامی. قم: انتشارات صدرا.

معصوم علیشاه، محمد. (بی‌تا). طرائق الحقائق. تصحیح محمدجعفر محجوب. تهران: انتشارات سنایی.

مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۳۷۹). اثبات واجب. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی. (۱۳۸۳). شرح اصول الکافی. تصحیح محمد خواجه‌جوی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

مناوی، محمد عبدالرؤوف. (۱۴۱۹ق). *الکواکب الدرّیة فی تراجم السادات الصوفیه*. تصحیح محمد ادیب جادر. بیروت: دار صادر.

مؤذن خراسانی، محمدعلی. (۱۳۸۱). *تحفه عباسی*. تهران: انتشارات انس تک.

میبدی، رشیدالدین احمد. (۱۳۷۱). *کشف الاسرار و عاة الابرار*. تصحیح علی اصغر حکمت. چ ۵. تهران: انتشارات امیرکبیر.

نیهانی، یوسف. (۱۴۱۱ق). *جامع کرامات الأولیاء*. تصحیح ابراهیم عطوه عوض. بیروت: المكتبة الثقافية.

نصر، سید حسین. (۱۳۷۹). *تشیع و تصوف*. عرفان/ایران، مجموعه شماره ۷. تهران: انتشارات حقیقت.

نیکلسون، رینولد. ا. (۱۳۵۷). *پیدایش و سیر تصوف*. ترجمه محمدباقر معین. تهران: انتشارات توس. نیکلسون، رینولد. ا. (۱۳۶۶). *عرفان و عارفان مسلمان*. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

هجویری، علی بن عثمان. (۱۳۸۳). *کشف المحجوب*. به کوشش محمود عابدی. تهران: انتشارات سروش.

هدایت، رضا قلی خان. (۱۳۸۵). *تذکره ریاض العارفین*. تصحیح ابوالقاسم رادفر. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.

یافعی، عفیف الدین عبدالله بن اسعد. (۱۴۱۷ق). *مرآة الجنان و عبرة الیقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث الزمان*. تحقیق خلیل منصور. بیروت: دارالکتب العلمیه.

یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله. (۱۳۹۷ق). *معجم البلدان*. بیروت: دار صادر.

یعقوبی، احمد بن اسحاق. (۱۳۴۲). *تاریخ یعقوبی*. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.